

مقدمه

یکی از دشمنان خطرناک مسیر انسانیت، جهل و نادانی است. آدمی برای نیل به کمال و سعادت، نیازمند شناخت هدف و مسیر است که بدون دانش و آگاهی حاصل نمی‌شود. علم و دانش از ابزارهای لازم و ارزنده برای سیر کمال حقیقی انسانی است. در فرهنگ اسلامی، برای علم و دانش ارزش بسیار قائل شده‌اند، تا جایی که حضرت امام محمدباقر (ص) فرموده است: «عالمی که از علمش بهره برد، بهتر از هفتاد هزار عابد است» [اصول کافی، باب صفة العلم، حدیث ۸].

در ادبیات اسلامی، علم به مفهوم آگاهی و دانش و به معنای مطلق به کار رفته و در لسان قرآن، با معانی و توضیحات متعددی ترجمه و توصیف شده است که هر کدام، بعد خاصی از علم را معرفی نموده‌اند و در عین حال، بیانگر ویژگی‌های دیگری نیز هست. پیامبر گرامی اسلام (ص) در حدیثی فرموده‌اند: «العلم نور یقذفه الله فی قلب من یشاء»: دانش نوری است که خداوند متعال در قلب هر کس که عنایت نماید، می‌افکند [میزان الحکمه].

مفهوم علم، طلوع خورشید در آسمان دل انسان، و ترجمه‌ی آن، فرهنگی به وسعت عرفان است و به اقیانوس مفاهیم عرفانی و قرآنی اتصال دارد. در نظام اسلامی، ارزش هر دانشمندی به نیت و عمل او وابسته است. با همه‌ی امکانات و لوازم، و فناوری و صناعی که در جهان امروز، به واسطه‌ی علوم تجربی در اختیار ما قرار می‌گیرند، در صورتی که هدف‌ها و نیت‌های انسانی و رای همه‌ی این

اهمیت علم و دانش در زندگی قرآن

مهدی تجلیل
کارشناس ارشد علوم قرآن

وسایل نهفته نباشند، بشر دچار بحران خواهد شد.
مولوی در این باره گفته است [مثنوی، دفتر چهارم،
بیت‌های: ۱۴۳۸-۱۴۳۵]:

چون سلاحش هست و عقلش نه بیند
دست او را ورنه آرد صد گزند
بد گهر را علم و فن آموختن
دادن تیغی است دست راه‌زن
تیغ دادن در کف رنگی مست
به که آید علم ناکس را به دست
علم و مال و منصب و جاه و قران
فته آمد در کف بد گوهران

به دیگر سخن، کمال و شخصیت آدمی، بر اساس دانش و
بینش او استوار است. زیرا در سایه‌ی این بینش می‌تواند، خود را
در رده‌ی فرشتگان آسمانی قرار دهد و برای وصول به مقامات
رفیع اخروی کسب آمادگی کند. خداوند متعال، دانشمندان را
برتر و بالاتر از رده‌های دیگر جامعه‌ی انسانی معرفی نموده [بقره/
۲۸۲]، و آنان را در بلندای تمام طبقات مردم قرار داده است و
امتیاز و ویژگی آن‌ها را نسبت به سایر افراد در قرآن کریم بیان می‌کند.
در باب ارزش علم نیز روایاتی وارد شده که به مصداق
آب دریا را اگر نتوان چشید/ هم به قدر تشنگی باید چشید
در این جا ۱۰ آیه از قرآن را که در آن‌ها ارزش دانش و
دانشوران مورد تجلیل قرار گرفته است، نقد و بررسی می‌کنیم.
سپس به ۱۰ حدیث از معصومین (علیهم السلام) در همین
خصوص اشاره می‌کنیم و بالاخره، با بیان تعابیر مؤثری از
شاعران در زمینه‌ی وصف دانش، مقاله را به پایان می‌رسانیم.
۱. «... واتقوا الله و یعلمکم الله و الله بکل شیء علیم»: ...
و از خدا پروا کنید، و خدا (بدین گونه) به شما آموزش می‌دهد
و خدا را به هر چیزی داناست [بقره/۲۸۲].

قرار گرفتن دو جمله‌ی فوق در کنار یکدیگر، این مفهوم را
ی‌رساند که تقوا، پرهیزگاری و خداپرستی، اثر عمیقی در
گاهی و فزونی علم و دانش دارد و خداوند از همه‌ی مصالح
ردم آگاه بوده است و آنچه خیر و صلاح آن‌هاست را برایشان
نرزمی دارد. علی بن ابراهیم در تفسیر این آیه، ۱۵ حکم و
الت یاد نموده است [مجمع البیان، ج ۳: ۳۹۹].

۲. یوتی الحکمة من یشاء و من یؤت الحکمة فقد اوتی خیراً
بر او ما یذکر الا اولوا الالباب: (خدا) به هر کس که بخواهد
حمت می‌بخشد و به هر کس حکمت داده شود، به یقین خیری
ان داده شده است و جز خردمندان کسی پند نمی‌گیرد [بقره/
[۲]

در آیه‌ی مورد بحث، سخن از حکمت و معرفت و دانش
است. چرا که تنها حکمت و دانش هستند که می‌توانند، بین
دو کشش الهی و شیطانی تفاوت بنهند و آدمی را به وادی
مغفرت بکشانند. در پایان آیه می‌فرماید: تنها خردمندان به
این معنی متذکر می‌شوند و در پرتو این چراغ پر فروغ، راه
زندگی و سعادت را می‌یابند. و نیز گفته شده است، برای
علم و دانش، حکمتی است؛ چرا که آدمی را از هر آنچه زشت
و قبیح است، باز می‌دارد و به آنچه دعا و مصلحت در آن
روان است، گسیل می‌کند [مجمع البیان، ج ۲: ۳۹۹]. هر
کس را عقل و خرد دادی، چه ندادی و هر کس را عقل و خرد
ندادی، چه دادی؟

۳. «... و انزل الله علیک الكتاب و الحکمة و علمک
مالم تکن تعلم و کان فضل الله علیک عظیماً»: ... و خدا کتاب
و حکمت بر تو نازل کرد و آنچه را نمی‌دانستی، بر تو آموخت
و تفضل خدا بر تو همواره بزرگ بود [النساء/۱۱۳].

در آیه‌ی فوق، یکی از دلایل اساسی مسأله‌ی عصمت به
اجمال بیان شده است: این که خداوند، علوم و دانش‌هایی به
پیامبر (ص) آموخت که در پرتو آن، در برابر گناه و خطا
محفوظ می‌ماند؛ زیرا علم و دانش در مرحله‌ی نهایی،
موجب عصمت است. و به عبارت دیگر، نزول قرآن بر پیامبر
اکرم و کیفیت وحی و آیات الاحکام و نشانه‌ها و دانش‌هایی
که پیش از بعثت از آن اطلاعی نداشت، خود موجب گمراه
نشدن و عصمت هستند [مجمع البیان، ج ۳: ۱۰۹].

۴. «... و قل رب زدنی علماً»: ... و بگو پروردگارا
بر دانشم بیفزای [طه/۱۱۴].

در تفسیر این آیه وارد شده است: همان گونه که آیه صراحت
دارد، خطاب به پیامبر (ص) است و تأویل آن به دنبال آیه‌ی
شریفه‌ی «... و لاتعجل بالقرآن من قبل ان یقضی الیک وحیه...»
[طه/۱۱۴]، بدین معنی است که خداوند به پیامبرش می‌گوید،
به جای این که در آیه‌ای که هنوز به تو وحی نشده است عجله
کنی، علم یش تر طلب کن و به آن مقدار علم اکتفا کن و از
خداوند علم جدید خواه [المیزان، ج ۲۸: ۱۰].

۵. «... قل هل یتسوی الذین یعلمون و الذین لا یعلمون
انما یتذکر اولوا الالباب»: بگو آیا کسانی که می‌دانند و کسانی
که نمی‌دانند یکسانند؟ تنها خردمندانند که پندپذیرند.

این آیه، جزو شعارهای اساسی اسلام است که عظمت
مقام علم و عالمان را در برابر جاهلان و نادانان روشن می‌سازد
و مشخص می‌شود که این دو گروه، نه در پیشگاه الهی یکسانند
و نه در نظر خلق آگاه. نه در دنیا در یک صف قرار دارند و نه
در آخرت. نه در ظاهر یکسانند و نه در باطن.

علم و دانش در این آیه و آیات دیگر قرآن، به معنی دانستن یک سلسله اصطلاحات یا روابط مادی میان اشیا و به اصطلاح، علوم رسمی نیست. بلکه منظور از آن، معرفت و آگاهی خاصی است که انسان را به اطاعت از پروردگار و ترس از او دعوت می‌کند [برگزیده‌ی تفسیر نمونه، ج ۴: ۲۱۴].

این علم و دانش است که انسان را به کمال می‌رساند و با نبود آن در درون آدمی است که احساس محرومیت به وجود می‌آید. علم مانند ثروت است که در دنیا، انسان از آن بهره‌مند می‌شود و نیازهای خود را مرتفع می‌سازد و با نبود آن هلاک می‌شود [المیزان، ج ۱۷: ۲۲۴].

۶. «... یرفع الله الذین آمنوا منکم و الذین اوتوا العلم درجات و الله بما تعملون خبیر»: تا خدا (رتبه‌ی) کسانی از شما را که گردیدند و کسانی را که دانشمند هستند، (بر حسب درجات، بلند گرداند و خدا به آنچه می‌کنید آگاه است.

درسی که آیه به ما می‌آموزد، روشنگری آن در فضیلت علم و عالم و موقعیت و الای دانش و دانشمند است. در تفسیر «مجمع البیان» ذیل این آیه می‌خوانیم: «جابر بن عبدالله انصاری از رسول خدا (ص) آورده است که فرمود: انسان دانشمند و دانشور، یک درجه بر شهید برتری دارد، و شهید یک درجه بر انسان عابد و پرستش‌گر. پیامبر (ص) یک درجه بر عالم واقعی برتری دارد، و برتری خدا بر آفریدگان اوست، و برتری دانشمند بر مردم، بسان برتری و فضیلت من بر کم‌ترین انسان‌هاست [مجمع البیان، ج ۲: ۲۵۲].

۷. «لکن الراسخون فی العلم منهم و المؤمنون یؤمنون بما أنزل الیک و ما أنزل من قبلک...»: اما راسخان آنان در دانش، و مؤمنان، به آنچه بر تو نازل شده و به آنچه پیش از تو نازل گردیده است، ایمان دارند [النساء/ ۱۶۲].

در این آیه، به واقعیت مهمی اشاره شده که قرآن به‌طور مکرر به آن تکیه کرده است و آن واقعیت این است که نکوهش قرآن از یهود، به هیچ وجه جنبه‌ی مبارزه‌ی نژادی و طایفه‌ای ندارد، بلکه نکوهش‌ها و حملات، تنها متوجه آلودگان و منحرفان است. به همین سبب، افراد با ایمان و پاکدامن یهود، مورد ستایش قرار گرفته‌اند و تصریح شده است: به آن دسته از یهودیان که در علم و دانش راسخند و به آنچه بر پیامبر (ص) و پیامبران

پیش از او نازل شده است و نیز به روز قیامت ایمان دارند، پاداش بزرگی داده خواهد شد [مجمع البیان، ج ۳: ۱۳۹].

۸. «و تلک الأمثال نضرها للناس و ما یعقلها الا العالمون»: و این مثل‌ها را برای مردم می‌زنیم، (ولی) جز دانشوران آن‌ها را در نیابند.

این آیه، اشاره به ایرادی است که دشمنان پیامبر (ص) و مشرکان در دو آیه‌ی پیشین گرفته بودند و می‌گفتند: چگونه ممکن است خدایی که آفریننده‌ی زمین و آسمان است، به عنکبوت، مگس، حشرات و... مثال بزند. در پاسخ، قرآن کریم به ارزش علم و دانشمندان اشاره نموده است و می‌فرماید: «این‌ها مثل‌هایی هستند که همگان آن‌ها را می‌شنوند، اما اشراف به حقیقت معانی آن‌ها و عمق اغراض آن‌ها، به دانشمندان اختصاص دارد؛ آنانی که حقایق امور را دریافته‌اند و به ظواهر امر توجهی ندارند [المیزان، ج ۱۶: ۱۴۳].

۹. «و یری الذین اوتوا العلم الذی انزل الیک من ربک هو الحق و یهدی الی صراط العزیز الحمید»: و کسانی که از دانش بهره یافته‌اند، می‌دانند که آنچه از جانب پروردگارت به سوی تو نازل شده، حق است و به راه آن عزیز ستوده (صفات) راهبری می‌کند.

در تفسیر این آیه گفته شده است: مراد از کسانی که از دانش بهره‌مند شده‌اند، دانشمندان الهی هستند که به آیات و نشانه‌های او آگاهی دارند. به عبارت دیگر، دانشمندان الهی، نزول قرآن بر پیامبر (ص) و حقیقت وقوع قیامت را به دیده بصیرت می‌نگرند و باور دارند، و نیازی به اثبات آن ندارند [المیزان، ج ۱۶: ۳۴۳].

امروزه کتاب‌های گوناگونی از سوی دانشمندان غربی و شرقی درباره‌ی اسلام و قرآن تألیف شده‌اند که در آن‌ها، اعترافات بسیار گویا و روشنی بر عظمت اسلام ارائه شده، که شاهد صدقی بر مضمون آیه‌ی فوق هستند.

۱۰. «یل هو آیات بینات فی صدور الذین اوتوا العلم...»: بلکه (قرآن) آیاتی روشن در سینه‌های کسانی است که علم (الهی) یافته‌اند...

مفاد و مفهوم این آیه، به صورت تأکید و تقدیر آیه‌ی پیشین است. به طوری که وقتی از پیامبر اکرم (ص) خواندن و نوشتن نفی می‌شود، چنین به نظر می‌آید که قرآن کریم، کتابی تألیف شده و نگارش یافته است، حال آن که چنین نیست. بلکه آیاتی روشن در سینه‌ی کسانی است که دارای علم الهی هستند و بهره‌ای از دانش دارند [المیزان، ج ۱۶: ۱۴۴].

